



رفاه و رشد اقتصادی به هم تنیده‌اند

رفاه اجتماعی، مفهومی مجرد و غیروابسته به شرایط کلی اقتصاد نیست؛ به این معنی که شاخص‌هایی مانند نرخ تورم، رشد اقتصادی و کیفیت این رشد، بیکاری و سایر شاخص‌های اقتصادی، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، بر میزان رشد رفاه اجتماعی، تأثیر خوب یا بد می‌گذرانند. فراتر از شاخص‌های اقتصادی، حتی مسائل سیاسی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم، کیفیت رفاه را دستخوش تغییر می‌کند. به عنوان مثال، توجه داشته باشیم که یکی از راهکارهای تامین منابع موردنیاز، برای عمل به تعهدات بلندمدت از سوی سازمان تامین اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌هایی است که این سازمان، با استفاده از اندوخته‌های خود انجام می‌دهد. در یک شرایط سیاسی ناپایدار داخلی یا خارجی، طبیعی است که ضریب بازده این سرمایه‌گذاری‌ها، به شدت کاهش پیدا می‌کند. می‌دانیم که نظامات تولیدی و اجتماعی، تأثیری مستقیم بر میزان تولید مازاد دارند. سازمان تامین اجتماعی، قاعدتاً باید این تولید مازاد را در آینده، در جامعه بازتولید کند. در چنین شرایطی، اگر به مسائلی مانند اعتیاد فریاد، قاچاق گسترده، کاهش قدرت اشتغال‌زایی، نبود فهم درست از اقتصاد دانش‌بنیان و هزاران مورد دیگر نگاه کنیم، تصدیق خواهیم کرد که همه این مسائل، می‌توانند روی کاهش تولید و در نتیجه، کاهش تولید مازاد کشور، اثرگذار باشند و در نهایت، توان سازمانی مانند سازمان تامین اجتماعی را برای ارائه خدمات باکیفیت‌تر، کاهش دهد. مازاد تولید اقتصادی - که مساوی رونق اقتصادی در نظر گرفته شده - تنها با افزایش بهره‌وری و تولید کالاها و رقابت‌پذیری محصولات روز جهان و... ممکن است. تنها راه دفاع از نیروی کار ایرانی، تحقق رشد اقتصادی و شکوفایی بخش تولید است. در چنین نگاهی، متوجه خواهیم شد که رشد تولید، یکی از مولفه‌های افزایش کارایی سازمان تامین اجتماعی است. به عبارت دیگر، نمی‌توان در یک اقتصاد رکودی و دارای مشکلات ساختاری، انتظار داشته باشیم که سازمان تامین اجتماعی، تافته جداافتاده باشد و خدمات مطلوبی، بدون تأثیرپذیرفتن از انواع معضلات اقتصادی و اجتماعی، ارائه دهد.



تأثیر بهبود اقتصاد کلان بر رفاه و تامین اجتماعی

مشکلات زیادی در حوزه‌های رفاهی و تامین اجتماعی و برقراری عدالت اجتماعی در کشورمان وجود دارد و هیچ کارشناس منصفی نمی‌تواند منکر آن شود. امکانات اقتصادی کشور هم باید به صورت ویژه در جهت رفع این مشکلات، بسیج شوند. اما نسبت‌دادن همه این مشکلات به دولت مستقر هم دور از انصاف است. دولت آقای روحانی، از بدو سرکار آمدن در سال ۹۲ وارث ابرشکلاتی است که رفع هر کدام از آنها، سال‌ها زمان می‌برد. اما در یک نگاه نسبی به موفقیت‌های دولت در حوزه رفع مشکلات، می‌توان گفت که بهبود وضعیت کلی اقتصاد به نفع رفاه عمومی، در دستور کار قرار گرفته است. کنترل تورم، جلوگیری از نابه‌سامانی‌های مالی، توجه مجدد به تولید و ... اقداماتی است که موفقیت در هر کدام از آنها، به معنی افزایش رفاه در جامعه است. البته این به معنای رفع مشکلات نیست. مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم در حوزه رفاه، عملکرد قابل قبولی از خود نشان داده است. در امور مربوط به معاونت رفاهی، توجه به سازمان‌های بهزیستی، کمیته امداد، معلولان و اقشار و گروه‌های فقیر و کم‌درآمد، عملکرد دولت، در حد قابل قبولی است و مشاهده می‌کنیم که یکی از اولویت‌های مهم دولت دوازدهم، ریشه‌کنی فقر مطلق و کمک به توانمندشدن گروه‌های مختلف اجتماعی است. اقدامات قانونی برای اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی و تنظیم روابط کار از سوی وزارت کار دولت دوازدهم، با جدیت دنبال شود. برای رسیدن به اهداف مهمی همچون ریشه‌کنی فقر مطلق و بهبود وضعیت رفاهی، به‌رشدی‌پایدار و مستمر اقتصادی، در کنار ادامه روند کنترل تورم نیازمندیم.

کارشناس بازار کار

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی، گفت: «بر اساس برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و با همکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دو برنامه برای حمایت از بازنشستگان تامین اجتماعی و فقرزدایی در کشور، اجرا می‌شود.» مرتضی لطفی، به ایرنا گفت: «در مرحله اول، از کالاهای تولیدی کشور، به صورت اقساط - به‌ویژه به بازنشستگان و فرزندان‌شان که نیاز به لوازم خانگی دارند - داده می‌شود. در مرحله دوم، سبد کالا را تعریف کرده‌ایم که در واقع، ترکیبی از سهام‌های این شرکت در بورس است و به‌طور یقین، برای کسانی که از این سهام استفاده می‌کنند، ارزش می‌آفریند.» وی اضافه کرد: «امیدواریم در نیمه‌اول سال آینده، این موضوع به نتیجه نهایی برسد.»

شاید نتوان به مجموع عملکرد دولت در حوزه‌های رفاهی نمره بالایی داد اما اقدامات زیربنایی این حوزه رانمی‌توان نادیده گرفت

رفاه؛ گام‌هایی که باید شتاب بگیرد



تأکید دولت روی کنترل تورم افسارگسیخته و انعطاف در برابر افزایش حداقل مزدها، به‌میزانی بالاتر از تورم به نفع کارگران بوده‌در چند که قاعدتاً این حمایت‌ها کافی نیست. طرح: جمال رحمتی

اساس، نرخ این شاخص در سال ۹۰، ۳۸/۷ بود و در یک روند صعودی در سال ۹۱ به حدود ۴۱ رسید و در سال ۹۲ که دولت یازدهم، اقتصاد کشور را تحویل گرفت، به بالای ۴۵/۵ رسیده بود. با اتخاذ سیاست‌های منطقی و بهبود وضعیت کلی اقتصاد نرخ این شاخص در سال ۹۳ به ۲۵/۴ کاهش پیدا کرد و روند نزولی آن که به معنی بهبود وضعیت است، ادامه یافت؛ به طوری که در سال ۹۴ به ۲۲/۳ و در سال ۹۵ به ۱۹/۲ رسید.

نجات اقتصاد به نفع رفاه

در حوزه رفاهی، بهبود پایدار و واقعی وضعیت معیشت مردم، از نظر کارشناسی در گروی تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و فراهم‌شدن شرایط مناسب برای قرارگرفتن در مسیر توسعه همه‌جانبه است. برای دستیابی به چنین وضعیتی نیز شاخص‌های کلان اقتصادی باید در مسیر درست هدایت شود. دولت یازدهم با اتخاذ چنین رویکردی از نیمه دوم سال ۱۳۹۲ تلاش خود را برای فراهم کردن فضای مناسب در جهت تقویت پایدار وضعیت معیشتی مردم و از جمله کارگران، به کار بست. در نتیجه این رویکرد، امروز می‌توان با تکیه بر آمار رسمی، وضعیت کارگران را با قبل از سرکار آمدن دولت یازدهم مقایسه کرد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دولت یازدهم در طول فعالیت خود، کنترل نرخ تورم است و به اعتقاد عمده کارشناسان بازارکار، یکی از برنده‌های اصلی کنترل نرخ تورم، کارگران و اقشار ضعیف

اکنون با رشد چشمگیر در مصرف خصوصی روبه‌رو است که تأییدکننده روند بهبود اقتصاد و افزایش رفاه خانوار است. هزینه‌های مصرف‌نهایی دولتی در فصل اول سال ۱۳۹۶ نسبت فصل مشابه سال قبل، با رشد ۶/۵ درصدی مواجه شد. تشکیل سرمایه ثابت، به عنوان یکی از منابع رشد و عامل انتقال فناوری به فرآیند تولید طی سال‌های اخیر، به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان، با رشد منفی مواجه بوده که با اقدامات دولت و اعتماد مردم به اقتصاد، از فصل پایانی ۱۳۹۵ رشد آن مثبت شده و به ترتیب در فصل پایانی سال ۱۳۹۵ و فصل اول سال جاری، به ۶/۲ و ۷/۱ درصد رسیده است. اجرای طرح ضربتی اعطای تسهیلات ازدواج با همکاری ۱۱ بانک و ارائه ۸۷/۸ هزار میلیارد ریال تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج به بیش از ۷۵۳ هزار نفر در شش‌ماه نخست امسال همچنین اعطای تسهیلات خرید مسکن بدون سپرده به زوجین توسط بانک‌های تجاری تا سقف ۱۰۰ میلیون تومان، از جمله عملکرد دستگاه‌ها است که هر کدام به نوعی در حوزه رفاه اجتماعی، نقشی موثر دارد. از دیگر شاخص‌هایی که حاکی از بهبود نسبی وضعیت مردم - به‌طور کلی - و کارگران - به صورت اخص - است، می‌توان به شاخص فلاکت اشاره کرد. این شاخص، جمع وضعیت بیکاری و تورم بوده و بر اساس آمار رسمی مرکز آمار ایران از سال ۹۲ - که دولت یازدهم اداره امور کشور را به دست گرفته - وضعیت این شاخص هم رو به بهبود است. بر این



وجود یک نظام تامین اجتماعی چابک و گسترش خدمات رفاهی به باور عموم کارشناسان اقتصادی و صاحب‌نظران اجتماعی یکی از پایه‌های اساسی حرکت در مسیر توسعه پایدار است. موفقیت در حوزه رفاه و تامین اجتماعی البته وابستگی ارگانیک با موفقیت در سایر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی دارد. به طور کلی در ۵ سال گذشته به طور عام و در یک سال گذشته به طور خاص شاهد موفقیت‌های نسبی در حوزه‌های اقتصاد کلان و خرد هستیم که باعث اثرات نسبی بر گسترش خدمات رفاهی و تامین اجتماعی شده است هر چند تا رسیدن به نقطه مطلوب هنوز فاصله زیادی باقی مانده است.

تلاش در جهت کاهش شکاف هزینه و مزد

یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در حوزه تامین اجتماعی و رفاه در جامعه به باور کارشناسان وجود فاصله میان هزینه و درآمد کارگران است. یکی از دلایل مهم ایجاد چنین شکافی افزایش سرسام‌آور نرخ تورم در سال‌های ۸۹ تا ۹۲ از یک سو و افزایش پیدا نکردن حقوق و دستمزد نیروی کار به نسبت به این تورم از سوی دیگر است. یکی از دستاوردهای دولت در ۵ سال گذشته کنترل تورم در سطح بین ۸ تا ۱۰ درصد از یک سو و افزایش حداقل مزد در این مدت به میزانی بالاتر از نرخ تورم به صورت متولی و مداوم از سوی دیگر است. این روند به باور کارشناسان اقتصادی باعث کاهش میزان شکاف مزد و هزینه به طور نسبی شده است هر چند میزان عقب ماندگی مزدی در سال‌های قبل‌تر به حدی بوده که هنوز تا جبران این شکاف راهی طولانی در پیش است اما روند فعلی به عنوان یکی از دستاوردهای دولت در این حوزه مورد پذیرش کارشناسان قرار گرفته است. هر چند خرابی‌هایی که از دولت‌های گذشته به دولت یازدهم به ارث رسیده، میزان شکاف دستمزد‌ها را به حدی بالا برده که شاید این افزایش‌های بی‌دری حداقل مزد بالاتر از نرخ تورم، اثر مورد نظر را در تقویت قدرت خرید کارگران نداشته باشد. اما بر کسی پوشیده نیست که در صورت تداوم روال گذشته، امروز این مسئله به یک بحران بسیار جدی تبدیل می‌شود. در واقع می‌توان گفت، تجمع اثرات مثبت کاهش تورم و حمایت دولت از منافع کارگران در کنار توجه به خواسته‌های کارفرمایان، فضا را برای دستیابی به یک روند مثبت برای جبران بخش‌هایی از کاهش هزینه کارگران فراهم کرد.

هدف‌گذاری رشد اقتصادی فراگیر و ضد فقر

برنامه دولت دوازدهم دستیابی به هدف «رشد اقتصادی فراگیر، اشتغال‌زا و ضد فقر» است. این برنامه، شامل دو بخش توسعه‌ای و حمایتی است. گسترش عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری و فقر، از طریق اصلاح سازوکارهای اقتصادی ایجادکننده آن، یکی از برنامه‌های این دولت است و تحقق آن می‌تواند در حوزه رفاه اجتماعی، اثراتی مناسب از خود بر جای بگذارد. برنامه‌های توسعه‌ای، مشتمل بر دو زیرفصل ایجاد اصلاحات اقتصاد کلان به منظور دستیابی به حفظ ثبات اقتصادی و فراهم کردن زمینه رشد پایدار و بسته‌های سیاستی برون‌گرایی و توسعه بخش خصوصی و اصلاح نظام نگاه‌هداری به‌منظور دستیابی به رشد اقتصادی بالا تنظیم شده است. تأکید بر اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، در سال ۱۳۹۶ موجب شکل‌دهی فضای نوینی در اقتصاد شده است. تدوین برنامه اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۶ شامل پروژه‌های اولویت‌دار در رونق تولید و اشتغال و نیز فرآیند پایش و نظارت مستمر بر اجرای این برنامه‌ها، از اقداماتی است که می‌تواند در حوزه رفاه اجتماعی، تأثیرات مناسبی به همراه داشته باشد.

بهبود وضعیت رفاه خانوار بر اساس آمار

بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی، هزینه مصرف‌نهایی خصوصی به عنوان شاخص رفاه خانوارها در فصل اول سال ۹۶ از رشد بالای ۷ درصدی برخوردار شده است. در واقع، اقتصاد ایران که قبلاً از کمبود تقاضا رنج می‌برد،



در حوزه رفاه و تامین اجتماعی، در دولت دوازدهم اقدامات مهمی انجام شده است که افزایش ۷۹ درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در دولت یازدهم و افزایش همه‌ساله حقوق بازنشستگان بیش از نرخ تورم، تحت‌پوشش قراردادن جمعیتی بالغ بر ۳۸ میلیون نفر در بخش درمان سازمان تامین اجتماعی، اجرای بیمه تکمیلی درمان بازنشستگان ۶ میلیون نفر تا ابتدای استقرار دولت دوازدهم و اجرای قانون حمایت از خانواده و رفع محدودیت ارائه خدمات به فرزندان چهارم به بعد بیمه‌شدگان تامین اجتماعی، از جمله این اقدامات است.

انجام‌شده حمایتی در این بخش است.